

چرا نهایند شناسی؟

□ آگاهی از واقعیت‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و... چه مربوط به کشور و چه بخشی از آن، ما را به سمت و سوی داوری‌های صحیح هدایت می‌کند. نا آگاهی از این واقعیت‌ها موجب سرگشتگی و سردرگمی می‌شود و چاره‌جویی منطقی و معقول را از ما می‌گیرد. این سخن معروف را بارها شنیده‌ایم که «شناخت بیماری نیمی از درمان آن بیماری است». بی‌شک عمل کردن به نسخه‌ی پزشکی که از نوع بیماری یک مریض آگاهی ندارد نه تنها بی‌نتیجه است بلکه درد افزا و مزید بر علت نیز می‌شود و سرکنگبین او بر صفرای بیمار می‌افزاید!

پس اگر ما بتوانیم چه در گستره‌ی کشور بزرگمان ایران و چه در سطح کوچک و محدودی از آن پژوهنده و جست‌جوگر باشیم به طوری که از رهگذر این پژوهش و جست‌جو پرده‌های اجمال و ابهام به کنار رود، خواهیم توانست که به داوری صحیح بنشینیم و به تبع آن راهکارهای درستی را ارائه دهیم. در این صورت است که راه را به درستی رفته‌ایم و دچار بن‌بست نخواهیم شد.

□ معضل دیگری که از این نا آگاهی‌ها نشئت می‌گیرد تقویت نا باوری‌ها و بی‌اعتمادی‌ها نسبت به خویشان است. در چنین خلأ زمان و مکان آگاهی انفجار اطلاعات جهانی که با استکبار خبری و تحمیل زرق و برق‌ها و جاذبه‌های تکنیک و صنعت بیگانگان همراه است به این بی‌اعتمادی و نفی خویشان دامن می‌زند و ما را به گذشته و حال و آینده بد بین می‌کند. خود کم بینی و برخورد انفعالی داشتن آفت خطرناکی است که ریشه‌ی هر تلاش و تحرّکی را می‌خشکاند و نسل امروز و فردا را از هویت و اصالتش دور می‌کند. بنابراین هر چه به آگاهی‌های بومی و منطقه‌ای مجهزتر شویم و استعداد‌های بالقوه و بالفعل خود را بیشتر بشناسیم، اعتماد به نفس و خود باوری را در خود و دیگران افزایش داده‌ایم و هویت اصیل خود را بهتر شناخته و یافته‌ایم.

□ نکته‌ی دیگر توجه به موقعیت نسل جوان است. جای خوشبختی است که جوانان ما از نظر کفایت رشد و شکوفایی فوق‌العاده‌ای داشته‌اند؛ به طوری که ما هم اکنون در جهان به عنوان کشوری جوان شناخته شده‌ایم. اما به هر دلیل این بخش عظیم نیروی انسانی که آینده‌سازان ما هستند و چشم امیدمان به آنان است از نسل گذشته‌ی نزدیک و دور خود فاصله گرفته‌اند، به طوری که نسبت به زادگاه و سوابق تاریخی، فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌های ارزشمند خود بی‌اطلاع یا

کم اطلاع اند. تهاجم خبری و اطلاعاتی غیر خودی‌ها این فاصله را بیشتر کرده و بی خبری از اصالت‌ها و هویت‌ها را افزوده است.

بنابراین کشاندن نسل جوان به عرصه‌های فرهنگی و ملی و آشنا ساختن آنان با ارزش‌ها و عرف و عادت‌های بومی و اعتقادی گام مؤثری در پر کردن فاصله‌ها و عمق بخشیدن به کیان ملی و یک پارچگی اجتماعی است.

□ مسئله دیگر جهت‌گیری‌ها و حساسیت‌های به حق فرهیختگان و صاحبان قلم است که عمدتاً به ضرورت‌های کلان‌کشور می‌پردازند و هرگونه پژوهش و مطالعه‌ای را به موقعیت‌های اصلی و مرکزی اختصاص می‌دهند و پرداختن به محدوده‌های کوچک محلی را ضروری نمی‌دانند و یا آن را در اولویت قرار نمی‌دهند. همه‌ی ما بی‌شک چهره‌هایی علمی و دانشگاهی را که از روستا و شهرهایی کوچک برخاسته‌اند می‌شناسیم که عملاً از زادگاه خود فاصله گرفته‌اند و فرصت یا علاقه‌ای به بازنگری و اندیشیدن درباره‌ی آن و همشهریان خود ندارند. فراموش نمی‌کنیم که در گذشته‌های دور و نزدیک گاه، بخش‌های کوچکی از یک شهر یا روستا پایگاه عالم و شخصیت بزرگی می‌شد، به طوری که دیگران از اطراف و اکناف به دیدن او می‌رفتند و از محضرش کسب فیض می‌کردند و مکان‌های گم‌نام به برکت چنین بزرگانی بر سر زبان‌ها می‌افتاد. بنابراین جای آن دارد که چنین علما و شخصیت‌هایی در موقعیت کنونی لاقبل به بررسی‌ها و پژوهش‌های محلی و منطقه‌ای توجه کنند تا این قبیل یافته‌های علمی و فرهنگی نیز مورد استفاده‌ی همگان قرار گیرد و در عین حال سرزمین‌های فراموش شده احیا شوند.

□ با توجه به چنین عوامل و دلایلی بر آن شدیم که به تهیه و تدوین و چاپ چنین مجموعه‌ای با تکیه بر نه‌اند شناسی بپردازیم به این امید که

- ما را در چاره‌جویی‌ها و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای کمک کند،
- روحیه‌ی اعتماد به نفس و خودباوری را در ما تقویت نماید،
- نسل جوان ما را پویا و پر امید سازد،

و بالاخره نه‌اند شناسی و نه‌اند پژوهی را توسعه دهد.

همین جا باید تأکید شود که محتوای این مجموعه‌ها به نه‌اند شناسی بسنده نخواهد کرد و در هر فرصت مناسب از مباحث متنوع دیگری که مربوط به فرهنگ و اندیشه‌ی کشور و جهان باشد بهره خواهد گرفت. بنابراین دست یاری به سوی همه‌ی اندیشمندان و فرهنگ پژوهان دراز می‌کنیم به این امید که با ارسال یافته‌های علمی و پژوهشی خود بر غنای آن بیفزاید.